

کره حقوقی روزنامه جوان پذیرای مطالب جامعه حقوقی است. انتشار دیدگاه‌های حقوقی به منزله تأیید یا رد تمام محتوای آنها نیست.

## حسب زرداری

### سارقی که محکوم به حمایت اجتماعی از معنادان شد

قاضی سلماسی طی یک رأی در خور تحسین، حبس یک مجرم را که مر تکب سرفت تعز بری شده بود تعلیق و به استناد قانون مجازات اسلامی وی را ملزم به حمایت اجتماعی از معنادان بهبود یافته کرد.

محسن مرادی اوجقار، قاضی آذربایجان غربی در خصوص اتهام فردی که مر تکب سرفت تعزیری شده بود، به جای یک سال حبس و ۳۰ ضربه شلاق تعزیری، رأی جالبی را صادر کرده که با پیگیری خبرنگار جوان متن رأی در اختیار روزنامه قرار داده شده‌است که در ادامه می‌آید.

مجازات حبس مقرر به مدت یک سال تعلیق (مراقبتی) می‌شود به:

الف – شرکت در کلاس‌های معاونت پیشگیری از وقوع جرم استان به مدت حداقل هشت ساعت و ارائه گواهی آن به واحد اجرای احکام کیفری

ب – حمایت اجتماعی از معنادان بهبود یافته (دو نفر) به عنوان پشتیبان سلامت یا سفیر سلامت جهت استمرار مراقبت‌های اجتماعی و تأمین نیازهای اساسی ایشان به مدت یک ماه از تاریخ ابلاغی قاضی اجرای احکام کیفری جهت اجرای حکم با تعیین و نظارت معاونت پیشگیری از وقوع جرم.

### متهمان «ممانعت از حق آب‌بری» به ارائه خدمات عمومی و ارائه مشاوره محکوم شدند

**این قاضی سلماسی همچنین در اقدامی جالب برای دو متهم «ممانعت از حق آب بری»، احکام جداگانه‌ای را به عنوان مجازات جایگزین حبس صادر کرد.**
در راستای روبه‌اخیر قوه قضائیه مبنی بر استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس برای مرتکبان جرائم با حبس‌های کوتاه‌مدت، محسن مرادی اوجقار، قاضی آذربایجان غربی با در نظر گرفتن شرایط و ضوابط موجود حبس دو متهم «ممانعت از حق آب بری» را به‌احکام جداگانه‌ای (مرتبط با میزان تحصیلات) جایگزین کرد.

حکم حبس متهم ردیف اول این پرونده با در نظر گرفتن سطح تحصیلات به ارائه خدمات عمومی رایگان نظیر نگهداری از فضای سبز و بستان‌های شهری و باغبانی در اماکن مزبور با نظارت شهرداری شهرستان سلماس و تازه شهر به عنوان نهاد پذیرنده به میزان ۲۷۰ ساعت جایگزین شد.

حکم حبس متهم ردیف دوم نیز به لحاظ شغل وی ایگونگه جایگزین شد:

الف- برگزاری دوره‌های آموزشی و کلاس‌های ترویجی (پیشگیری از وقوع جرم) برای دانش آموزان متوسطه شهرستان به میزان ۱۷۰ ساعت با نظارت اداره آموزش و پرورش به عنوان نهاد پذیرنده

ب-ارائه مشاوره رایگان حقوقی به محکومان زندان شهرستان تحت نظارت قاضی ناظر زندان و رئیس زندان به میزان ۱۰۰ ساعت.

در پایان نیز ذکر شده‌است که در صورت تعدد اجرای مجازات جایگزین یا تخلف از اجرای آن یا اجرای تمام یا بخشی از آن با مامعی مواجه شود و در صورت عدم امکان رفع مانع یا ایجاد مانع توسط رفتار عمدی محکوم، مجازات حبس (صلی) اجرا خواهد شد.

## پیش‌حقوقی

**چنانچه زوجین در طلاق توافقی درباره ملاقات ، حضانت فرزندان ، مهریسه ، جهیزیه و مانند آن به توافق بررسند و در متن رأی طلاق توافقی از سوی دادگاه توافقات مذکور گنجانده و صیغه طلاق نیز بین آنها جاری شود ولی یکی از طرفین از انجام توافقات خودداری کند ، ایما دادگاه می‌تواند مبادرت به صدور اجرائیه در این موارد کند یا اینکه انجام توافق‌های مندرج در رأی طلاق توافقی نیاز به دادخواست جداگانه دارد؟**

پس از صدور گواهی عدم امکان سازش بر اساس توافق زوجین و جاری شدن صیغه طلاق فیما بین آنها ، در صورتی که یکی از طرفین از انجام توافقات مندرج در گواهی موردنظر خودداری نماید، طرف ذینفع می‌تواند تقاضای صدور اجرائیه به منظور اجرای تعهدات مالی (مانند مهریه) یا غیرمالی (مثل حضانت) اروق فساد گواهی عدم‌امکان سازش از دادگاه صادر کننده آن ننماید.
تصریح ذیل ماده ۹۹ قانون حمایت خانواده ۹۱ به این امر ارجاع به امور مالی، صرفاً از این جهت است که در این ماده، ثبت طلاق موکول به تأدیه حقوقی مالی زوجه شده‌است و متعاقب آن اعلام گردیده که هر‌گاه زن بدون دریافت حقوق مذکور به ثبت طلاق رضایت دهد، می‌تواند پس از ثبت طلاق برای دریافت این حقوق از طریق اجرای احکام داد‌کستری مطابق مقررات مربوط اقدام کند.
بنابراین به معنای انحصار حکم (امکان صدور اجرائیه) به حقوق مالی نمی‌باشد.

**در مورد دادی که طلاق به در خواست زوج است آیا زوج می‌تواند در همان دادخواست خواسته نیز تحت عنوان اعسار از پرداخت مهریه و تحله مطرح نماید و آیا دادگاه تکلیف دارد در صورتی که گواهی عدم امکان سازش صادر می‌کند در خصوص تقسیت مهریه به ناحله اظهارنظر نماید یا خیر. در صورتی که پاسخ مثبت است آیا گواهی عدم امکان سازش را صادر و سپس حکم تقسیت صادر نماید یا در ضمن صدور گواهی عدم امکان سازش میزان تحله و مهریه را بر اساس تقسیت به چه نحوی است؟**

رعایت ماده ۹۹قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ع‌ا از اینکه خواهان طلاق، زوج یا زوجه باشد ضروری است و دادگاه در زمان صدور رأی طلاق به در خواست هر یک از زوجین می‌باید تکلیف حقوق مالی زوجه (ناشی از روابط زوجیت) را نیز مشخص نماید و زوجه چه خواننده طلاق باشد چه خواهان آن، برای دریافت حقوق ناشی از روابط زوجیت خود پس از ثبت طلاق می‌تواند تقاضای صدور اجرائیه نماید. علیهذا چون مفاد رأی دادگاه در اجرای ماده ۹۹قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱در قسمت حقوق مالی زوجه حتی اگر زوج خواهان طلاق باشد، قابلیت صدور اجرائیه به در خواست زوجه را دارد، بنابراین می‌توان همزمان با رسیدگی به در خواست طلاق از ناحیه زوج وصدور گواهی عدم امکان سازش، به در خواست اعسار زوج از پرداخت دفعتا واحده حقوق مالی زوجه نیز( از جمله مهریه و تحله) رسیدگی نمود. باوصاف مزبور مفاد رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۲۲۲مورخ ۱۳/۱۰/۹۰ هم مؤید مراتب مذکور است؛ زیرا زوجه حتی اگر خواننده درست است.

دعوی طلاق باشد، در مورد حقوق مالی ناشی از روابط زوجیت که می‌باید در گواهی عدم امکان سازش تعیین تکلیف شود، «دان» می‌باشد.
چنانچه مراحل رسیدگی به دادخواست اعسار زوج همزمان با تکمیل پرونده مربوط به دادخواست مطالبه‌الرایه برای طلاق به اتمام رسد و در خواسته (طلاق و اعسار) معد صدور رأی شوند، داد‌گاه می‌تواند ضمن صدور گواهی عدم امکان سازش، حکم پرداخت اقساطی حقوق مالی زوجه توسط زوج را نیز صادر نماید. ضمنا رعایت ضوابط ماده ۲۲قانون حمایت خانواده در این رابطه مصوب ۹۱ضروری است.

چهارشنبه ۴ بهمن ۱۳۹۶ | ۶ جمادى‌اول ۱۴۳۹

## حقوقی

سرویس اجتماعی ۰۹۸۴۹۸۴۴

# خطر برجامیزه کردن رژیم حقوقی دریای خزر

## خبرها حاکی از آن است که در بهار ۹۷ رژیم حقوقی دریای خزر تدوین خواهد شد؛ متنی که ظاهراً به نفع ایران نیست



مذاکرات مربوط به تعیین رژیم جدید حقوقی دریای خزر هم از دست مذاکراتی شده که سال‌هاست پنج کشور ساحلی ایران، جمهوری آذربایجان، فدراسیون روسیه، جمهوری قزاقستان و ترکمنستان را درگیر خود کرده‌است. هر کدام از کشورها تعابیر مختلفی که تأمین‌کننده منافع آنها بوده را در این باره ارائه می‌کنند تا به سهم بیشتری از منافع موجود در این دریا دست یابند.
چندی پیش هم برخی از مقامات عالی‌رتبه دولت‌های ساحلی در دریای خزر اعلام کردند که پیش‌نویس کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر آماده شده که ظاهر‌اقرار است، در اجلاس بعدی سران این کشورها در بهار سال ۱۳۹۷ به تصویب برسد. اما گفته می‌شود پیش‌نویس مزبور

پیشینه رژیم حقوقی دریای خزر، به عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای برمی‌گردد که در هر دو عهدنامه مذکور ایران از داشتن نیروی دریای جنگی در دریای خزر منع شد و درباره بهره‌برداری از سطح یا بستر دریای خزر هم سخنی در آن ذکر نمی‌شود. اما آپس از این دو معاهده که در آن به استفاده از آب‌های خزر اشاره شده‌است، موافقتنامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ از جمله توافقات بعدی است که هم اکنون نیز درباره رژیم حقوقی دریای خزر مورد استناد است؛ موافقتنامه‌ای که بر اساس آن ایران و اتحاد جماهیر شوروی حق بهره‌برداری مسالوسی از دریای خزر را تأیید کرده‌اند.

در ادامه، این فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بود که به رغم رضایت برای غربی‌ها، جلوه‌مثنی برای ایران نداشت چراکه شرکای ایران در دسترسی به این دریا و منابع آن را تکثیر نمود و دولت‌های ساحلی هم که غالباً با حمایت غرب یا روسیه، موضعی مطالبه‌گرانه داشتند، ایران را در کنجی قرار دادند که به ناچار به تدوین رژیم حقوقی جدید تن داد و همواره نیز در مذاکرات

<b>حقوق شهروندی</b>
گندم‌زمانی

شهردار تهران در ارائه گزارش عملکرد ۱۰۰روزه خود با حفظ سمت به‌گونه‌ای بی‌تفاوت از بدهی دولت به شهرداری عبور کرده‌است که گویی وکیل‌مدافع دولت است، اما به لحاظ قانونی این مهم علاوه بر آنکه شهروندان را از داشتن حقوق طبیعی خود همچون محیط‌زیست، هوای پاک و حمل و نقل محروم می‌کند که شهرداری را هم به دلیل کمبود منابع مالی مجبور می‌کند تا به جیب مردم دست‌اندازی کند!

چندی پیش گزارش عملکرد ۱۰۰ روزه شهردار تهران در جمع اعضای شورای شهر منتشر شد و ابعاد مختلف این گزارش توسط رسانه‌ها مورد بررسی قرار گرفت اما یکی از نکات مهم در این میان، بخش مهمی از صحبت‌های نجفی مربوط به پرداخت بدهی‌های دولت به شهرداری بود که نجفی با بی‌تفاوت عبور کردن از ضرورت این پرداخت بدهی که سهم شهروندان تهرانی است، به لحاظ قانونی شبهاتی را ایجاد کرد.

وی در بخشی از گفته‌های خود تأکید داد: «مطالبات شهرداری از ناحیه زوج وصدور گواهی عدم امکان بخش عمده‌ای موردی بود که در قانون بودجه سال‌های قبل آمده‌است و گفته‌اند دولت مکلف است این کار را کند یا نکند و حرف دولت هم درست است.»

هر چند که اصل واژه مکلف در تضاد با دو فعل بعدی قرار می‌گیرد اما فارغ از انتخاب این جملات که می‌توان آن را یک اشتباه سهوی تلقی کرد نکته اصلی بر این اساسی است که نجفی برخلاف ادعاهای خود از ماستمالی کردن بدهی‌های دولت به شهرداری، خواسته یا ناخواسته در دایره قربت با دولت فعلی قرار گرفته و با بی‌تفاوت عبور کردن از وظایف دولت در پرداخت بدهی خود، گویی

## ۹ جوان

## روزنامه جوان | شماره ۵۲۹۴

# حقوقی

ضرورت دارد کشور ما برای حصول موفقیت و نتایج ارزنده و خرسندکننده از تسم مذاکره‌کننده قوی و آشنا به شگردها و سبک‌های مذاکراتی کشورهای ساحلی استفاده کند چراکه در غیر این صورت باید انتظار داشت برجام دومی در انتظار تعیین تکلیف حقوقی دریای خزر باشد

**■ القاتل خزری!**
هر چند که همچنان طبق آخرین اظهار نظرات صورت گرفته، حسین نقوی حسینی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، به نقل از دریا‌دار حسین خانزادی فرمانده نیروی دریایی ارتش گفته است: «ایران حاکمیت کامل بر سهم ۲۰ درصدی خود در دریای خزر دارد.» اما این در حالی است که معاون آسیا، اقیانوسیه و مشترک‌المنافع وزارت امور خارجه با انتقاد از برخی القاتل‌به افکار عمومی مبنی بر اینکه نصف دریای خزر سهم ایران است یا اینکه سهم کشورمان از این دریا ۲۰ درصد است، می‌گوید این سخنان با منطق حقوقی و بین‌المللی سازگار نیست و معلوم نیست که منشأ این القاتل از کجاست.
ابراهیم رحیم‌پور هم که در طول چهار سال گذشته به صورت مرتب در جلسات معاونان وزیران خارجه پنج کشور ساحلی دریای خزر حضور داشته‌است در مورد آخرین تحولات مربوط به کنوانسیون دریای خزر و مذاکرات صورت گرفته بین وزیران امور خارجه پنج کشور ایران، آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و روسیه گفت: بعد از ۲۶ سال از فروپاشی شوروی این ضرورت وجود دارد که هرچه زودتر تکلیف رژیم حقوقی دریای خزر مشخص شود.

به گفته متخصصان رژیم حقوقی دریای خزر و فعالان در این زمینه هر چه شیوه حل اختلافات حقوقی دریای خزر دوستانه‌تر باشد، روابط آینده میان کشورهای حاشیه‌عمیق‌تر و ماندگارتر منافع ملی خود را در نظر می‌گیرند، یکی منافع ایجاب می‌کند آن را دریا بخواند به همین دلیل به شیوه تقسیم آن به نظام حقوق دریاها متوسل می‌شود و دیگری بر اساس منافع خود، آن را دریانه می‌کند تا جایی که شاید بتوان از آن به حاشیه خزر درصدا استمرار موضع انفعالی ایران هستند تا به سهم‌های متفاوت هر یک از کشورهای ساحلی تن دهد.

اکنون گفته می‌شود مسئله مهم بستر و زیربستر توافق‌های صورت گرفته تا کنون در زمینه رژیم حقوقی دریای خزر وجود ندارد، اما دستنیایی ایران تنها و فقط به سهم ۲۰ درصدی از این دریا کشتیرانی مطرح است و در همین چارچوب باید مسائل امنیتی، محیط زیستی، همکاری‌های اقتصادی و دیگر مسائل مربوط به آن را قانونمند کرد.

## نقض حقوق شهروندان با وکیل الدوله شدن شهر دار

با «ماستمالی» شدن طلب شهرداری تهران از دولت، حقوق متعددی از شهروندان نقض می‌شود

دیگری در اختیار دارد؟
پاسخ به سؤالات فوق روشن است اما آنچه مهم بوده بر این اساس است که هر چند ضرورت قانونی برای این مهم تعریف نمی‌شود اما می‌تردید شهرداری برای جبران این کسری‌ها مجبور به دست‌اندازی جیب مردم خواهد شد!
حال آنکه دولت محترم هم در زمینه حمل و نقل عمومی و پرداخت یارانه موظف به کمک است و هم در مورد برخی خدماتی که شهرداری به دلیل پایتخت بودن تهران همه وزارتخانه ارائه می‌دهد، باید هزینه‌هایی بپردازد. طبق اسناد و مدارک منتشر شده، شهرداری تهران سالانه هزاران میلیارد تومان برای توسعه خطوط مترو هزینه می‌کند در صورتی که دولت تقریباً پرداختی ندارد!
اما ذکر این نکته لازم است آنچه تحت عنوان بدهی

دولت به شهرداری گفته می‌شود در اصل بدهی دولت به تک تک شهروندانی است که بر حقوق آنها تأکید می‌کند، شاید منشور حقوق شهروندی همین ساده‌ترین‌هایی باشد که بی‌تفاوت در عمل از کنار آن عبور می‌کنند اما در حرف و سخن و قانون چینی، خوب مرد عمل هستند! بی‌تردید با تمکین دولت از قانون و سعی در پرداخت بدهی خود به شهرداری که خارج از دایره حزب بازی و سیاسی کاری باشد، این حجم از معضلات شهری نظیر ترافیک و آلودگی هوا و مشکلات زیست محیطی کمتر خواهد شد.

شاید بهتر باشد که شهردار تهران به جای وکیل مدافع بودن دولت که یک روز با رد این بدهکاری است و روز دیگر با تأیید اما غیرمهم تلقی کردن، حق شهروندان تهرانی را به رسمیت بشناسد و با تدوین برنامه‌ریزی مناسب، دولت را مکلف به این پرداخت‌کنند تا در نهایت مجبور نباشد برای جبران کسری مالی خود به جیب مردم دست‌اندازی کند که این خود نقض حقوق شهروندی محسوب می‌شود!

## ۹ جوان

حسین علینی\*

### حق سکوت متهم در حقوق کیفری

حقوق کیفری پس از جنگ جهانی دوم و در امتداد مسیر تکامل خود بیشترین صبغه حقوق بشری را در طول تحولات تاریخی به خود گرفته است و بارشد و تعالی اندیشه‌های والای انسان در این دوره به فرد در مظان اتهام نیز با دیده کرامت‌مدار نگریسته شد. در نتیجه، اعلامیه جهانی حقوق بشر یا تنظیم سایر اسناد مهم بین‌المللی مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر و منشور آفریقای حقوق بشر، محل تبلور چنین نگاهی به انسان بوده‌است.
گفتمان دادرسی منصفانه و عادلانه نیز ار مغنا اندیشه‌های حقوقی این دوره است؛ دادرسی که یکی از دغدغه‌های اصلی آن، رعایت تضمینات و حقوق دفاعی متهم می‌باشد.

تار و پود دادرسی منصفانه را برخی معیارها و ضوابط مشتمل بر موازین حقوق بشری تشکیل می‌دهند، از جمله، فرض بیگناهی یا اصل برائت، حق رهایی از دستگیری و بازداشت غیرقانونی و خودسرانه، حق بر حضور فوری در برابر مقامات قضایی، ممنوعیت شکنجه و حق برخورداری از رفتار و شرایط انسانی در طول مدت بازداشت، حق آگاهی از دلایل دستگیری و نوع اتهام، حق برخورداری از معاضدت وکیل در مرحله پیش از محاکمه، حق دسترسی مساوی افراد به دادگاه صالح، اصل مستقل و بی‌طرف بودن روند دادرسی، حق محاکمه علنی و ...

فرض بی‌گناهی یا همان اصل برائت متهم، شایبیت مجموعه اصول دادرسی منصفانه است. التزام به این اصل، سه نتیجه بسیار تأثیرگذار بر دامنه حقوق دفاعی متهم بر جای می‌گذارد. این نتایج عبارت‌ند از:

- تکلیف مقام تعقیب به اثبات گناهکاری متهم

- ممنوعیت شکنجه و اجبار متهم به اقرار و اعتراف به گناهکاری

- برخورداری متهم از حق سکوت.

حق سکوت یکی از مناقشه برانگیزترین حقوق دفاعی متهم محسوب می‌شود. مسئله این است که آیا متهم حق دارد از پاسخ به پرسش‌های مقامات صلاحیت‌دار از جمله ضابط دادگستری در ضمن بازجویی خودداری کند؟ آیا سکوت به معنی انکار است؟ آیا می‌توان این سکوت را به ضرر متهم تفسیر نمود؟ در روزگار ما اکثر نظام‌های دادرسی کیفری دنیا پذیرفته‌اند که متهم حق دارد از آذانه از قدرت خود برای پاسخگویی یا امتناع از آن استفاده کند. حق سکوت در مرحله بازجویی و محاکمه از فرض «بی‌گناهی» جداشدنی و تضمین مهمی است برای حق عدم‌اجبار به اقرار به گناه یا شهادت علیه خود. حق سکوت در طول بازجویی از فرد بازداشت شده به اتهام جرائم کیفری، آسیب‌پذیر است. از آنجایی که مأموران اجرای قانون حتماً تلاش خود را می‌کنند که از فرد بازداشت شده اقرار یا اظهاراتی را دال بر مجرمیت‌اش نمایند، اعمال حق سکوت متهم این تلاش‌ها را منتهی می‌سازد.

در حقوق داخلی ماده ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این حق را مورد تصویب قرار داده‌است. این ماده به این منوال است: «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا اصدای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود.» این ماده به روشنی بیان‌کننده حق سکوت متهم است؛ بنابراین اگر متهم از دادن پاسخ به پرسش‌های باز پرس امتناع نماید، وی ملزم به پاسخگویی به آنها نشده و حق دارد در برابر آنها سکوت نماید. حق سکوت یکی از اثار اصل برائت است که اقتضای دار با اثبات اتهام بر دوش مقام تعقیب باشد و متهم ملزم به اثبات بی‌گناهی خود نباشد. در این حال، نتیجه سکوت متهم، تودم‌ساز قرار منع تعقیب در مورد او نیست، چنانچه لادلیل کافی بر انتساب بزه به او موجود باشد، با انصاف ارادی وی از بیان مطالبی در رد آنها، زمینه صدور حکم جلب به دادرسی فراهم می‌گردد. حق سکوت متهم که موضوع این یادداشت است، بدین معناست که به موجب قانون، متهم این حق و اختیار را داشته‌بشند که در مقام شکایت اقامه شده علیه او، به نامله کفر و فریبند تا مدعیان معرکه (شاکی/ا‌دادستان)، زمان اثبات ادعایشان را به دست گیرند. این حق و اختیار در جمله مناقشه‌برانگیزترین حقوق دفاعی متهم است که طرفداران همچنین مخالفان خاص خود را دارد:

- به رسمیت شناختن حق سکوت متهم، از یک سو محترم شناختن حقوق دفاعی متهم است؛ لیکن از سوی دیگر، با تقلیل دادن امکان اثبات خطاکاری متهم، منافع و مصالح بزه دیده عم از اجتماع و فرد را تهدید و تحدید می‌نماید.

- با بیوسمت به جبهه حمایت از بزده‌بده و عدم‌شناسایی حق سکوت نسبت به متهم، ضمن تحلیل بردن و تضعیف جایگاه دفاعی متهم با شائبه قهر و الزام‌اجبار در روند استمطقل کیفری و نتیجتاً، بی‌اعتناری اظهارات و اقراری متهم و به‌طور کلی، تحقیقات انجام شده همچنین محکوم شدن به داشتن نظام کیفری سرکوبگر و غیرانسانی، مواجه می‌گردیم.

سؤال اساسی این است که آیا امکان برقراری نوعی توازن میان این دو فرض میسر است؟

موضوع دیگر، بررسی جایگاه و ارزش اثباتی اظهارات و اقراریر متهم در میان سایر الهه اثبات دعوی کیفری است.
طریقت یا موضوعیت قائل شدن به اقراریر و اعترافات متهم در اثبات جرم، آثار و نتایج فروض پذیرش یا عدم پذیرش حق سکوت متهم را متفاوت خواهد کرد. بنا بر این است که موضوع

از این منظر هم قابل تأمل می‌نماید.

موضوع دیگر، بررسی آثار مرتب بر نسکوت متهم در هر یک از فروض پذیرش یا عدم پذیرش این حق است؛ اینکه چه استنباطی می‌توانیم از این سکوت متهم بنماییم، موضوع بسیار تأثیرگذاری بر سرنوشت متهم خواهد بود. حق سکوت به عنوان یکی از تضمینات دفاعی متهم و جلوه‌ای از دادرسی منصفانه، در برخی از مقررات و اسناد بین‌المللی از جمله اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و ... پیش‌بینی کرده شده‌است. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، موضوع حق سکوت متهم، یکی از دغدغه‌های اسناد بین‌المللی است. این امر، به ویژه در متن اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که از حیث بسازه زمانی اعتبار و قابلیت اجرایی یافتن، اخیرالتصویب‌تر از دیگر اسناد بین‌المللی است، صراحت بیشتری داشته و جلوه آشکارتری دارد. مقررات و اسناد بین‌المللی، حسب‌ویژگی ار شادی یا الزام‌آور بودن خود، تصریحاً یا تلویحاً، از کشورها می‌خواهند که تمامی مفات این اسناد -از جمله مقوله حق سکوت متهم - را در بطن قوانین سرزمینی خویش، بگنجانند.

**❖ باز پرس دادرسی جنایی و جرائم خاص کرج**

### توصیه مهم پلیس فتا درباره استفاده از مودم «وای‌فای»

پلیس فتا برای جلوگیری از جرائم رایانه‌ای افراد فرصت‌طلب درباره استفاده از مودم‌های وای‌فای توصیه‌هایی را بیان کرد.

شهروندان در صورت استفاده از مودم‌های وای‌فای به نکت تک ذیل توجه کنند:

۱- رمز عبور می‌بایست شامل اعداد، حروف لاتین و کلیدهای ترکیبی (علامتی نظیر @ # ... و ...) باشد.

۲- در صورت عدم استفاده از اینترنت حتماً مودم وای‌فای را به صورت سخت‌افزاری خاموش نمایید.

۳- حتی‌الامکان نام به کارگیری شده برای مودم‌های وای‌فای مشابه نام مودم مودم نباشد.

۴- از قرار دادن شماره تلفن، نام یا کدملی و سال تولد به عنوان رمز عبور خودداری نمایید.

۵- از افشای رمز عبور نزد دیگران خودداری کنید.

۶- در اماکن عمومی از مودم‌های وای‌فای به اشتراک گذارده شده استفاده ننمایید.

۷- در صورت عدم نیاز به بلوتوث و وای‌فای، این قابلیت‌ها را در دستگاه خود خاموش کنید.